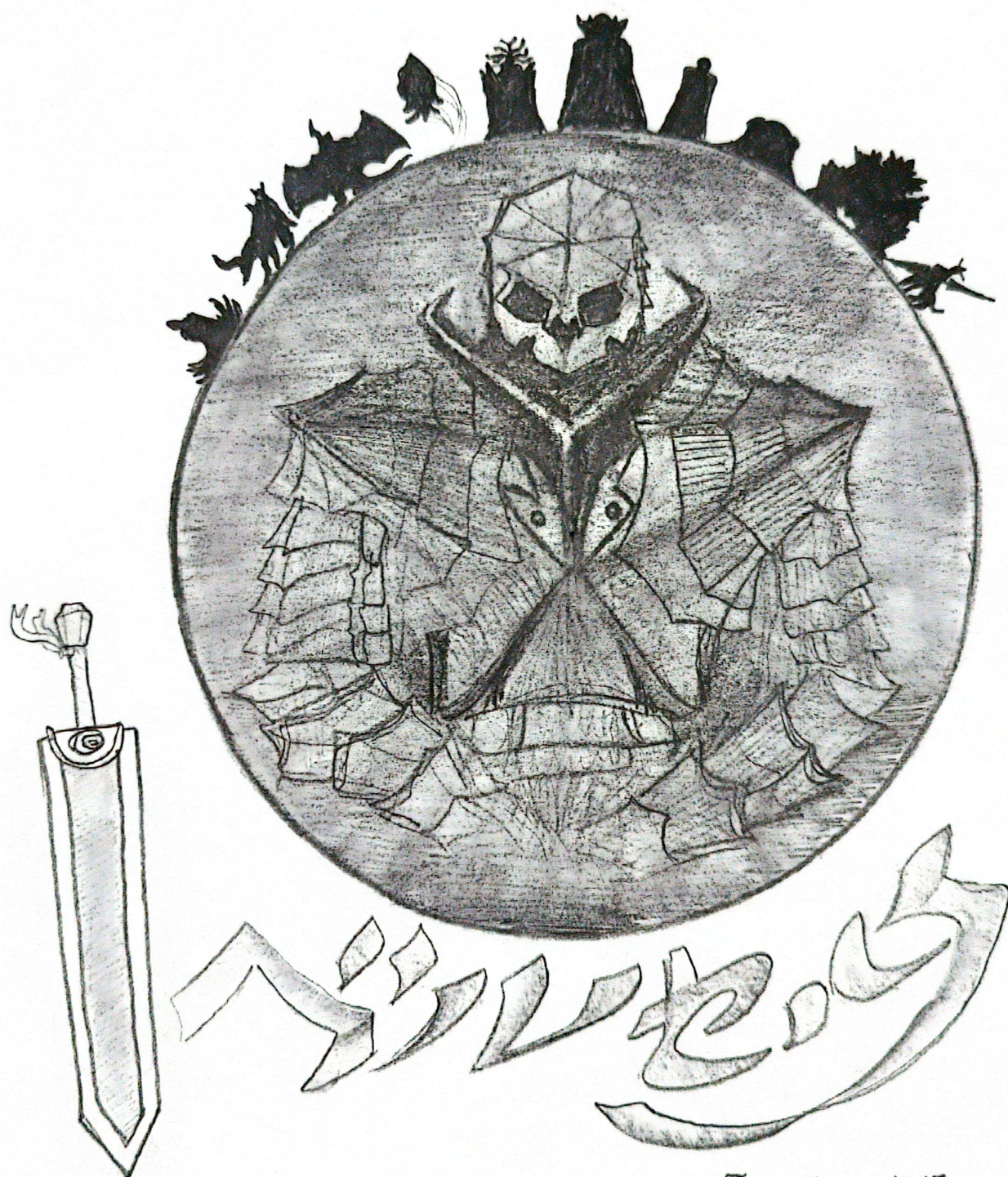
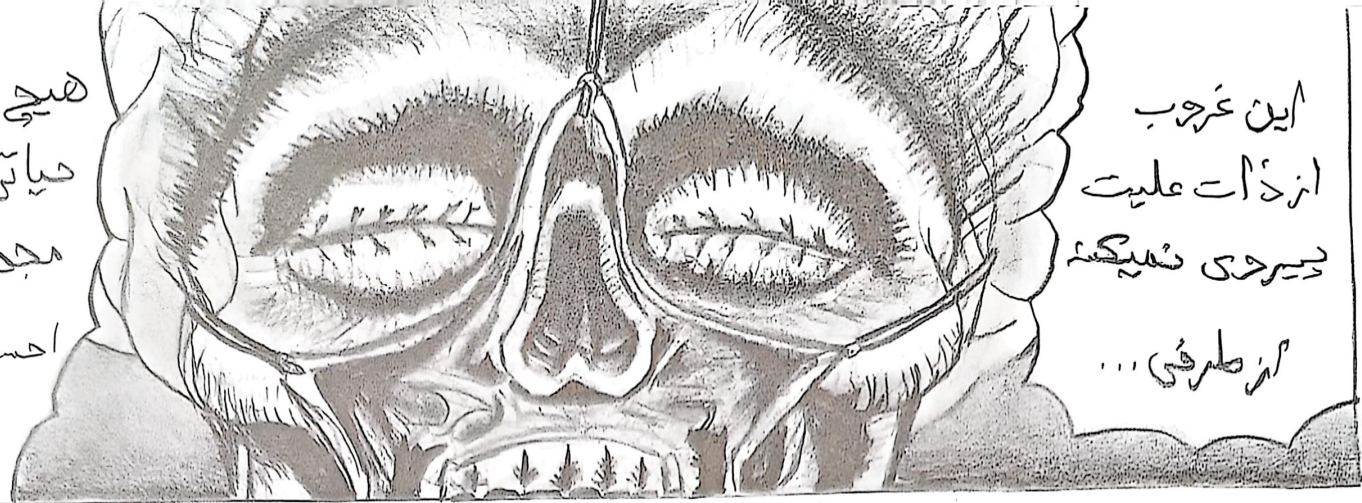


کتابخانه ملی ایران

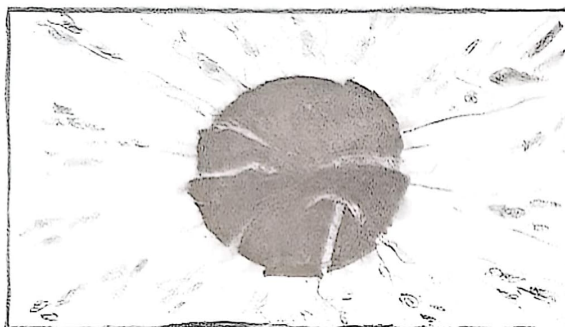


مادگار فارسی آری آخرین کسوف
جبر زری 500 چتر : دریای خاطرات

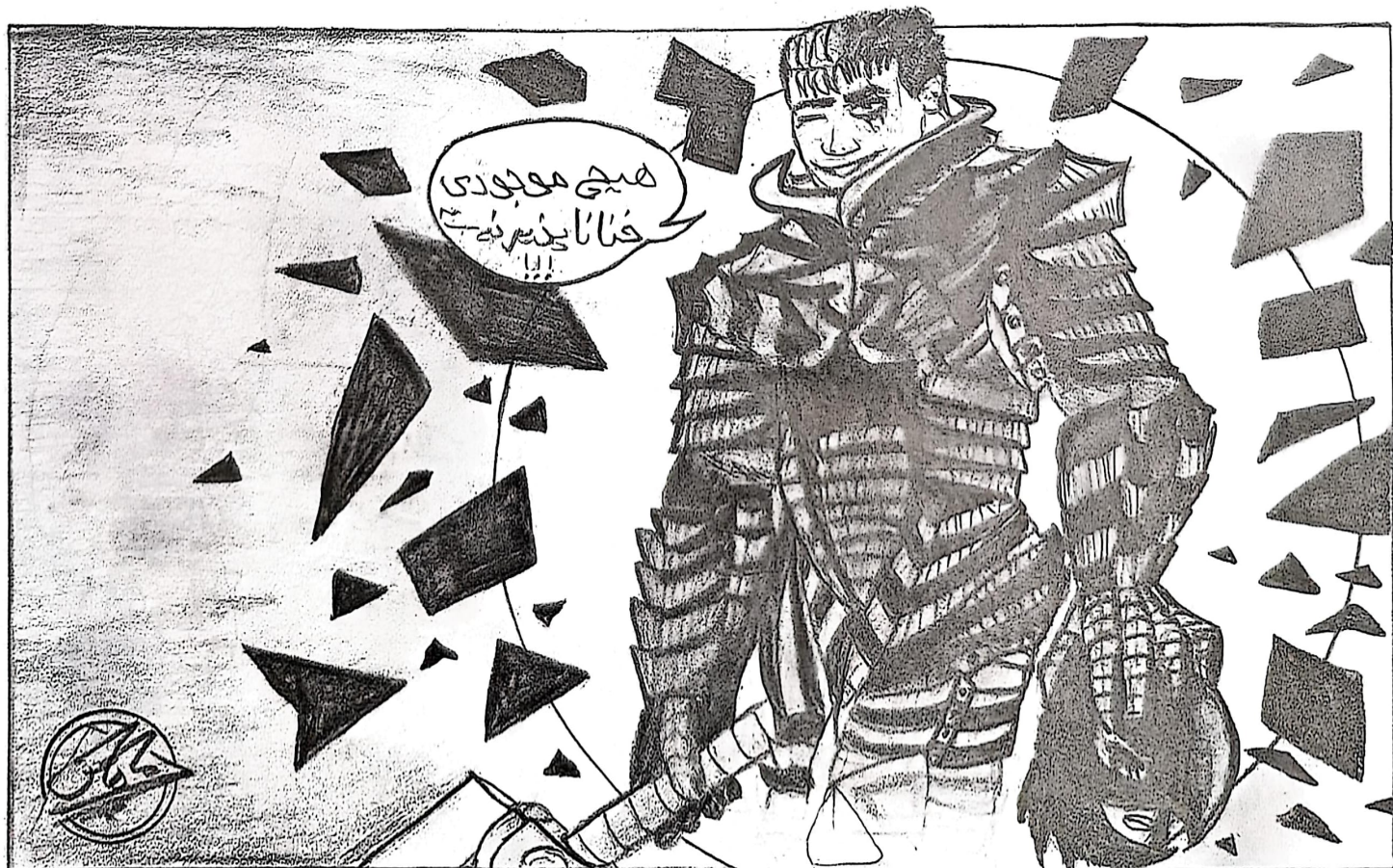
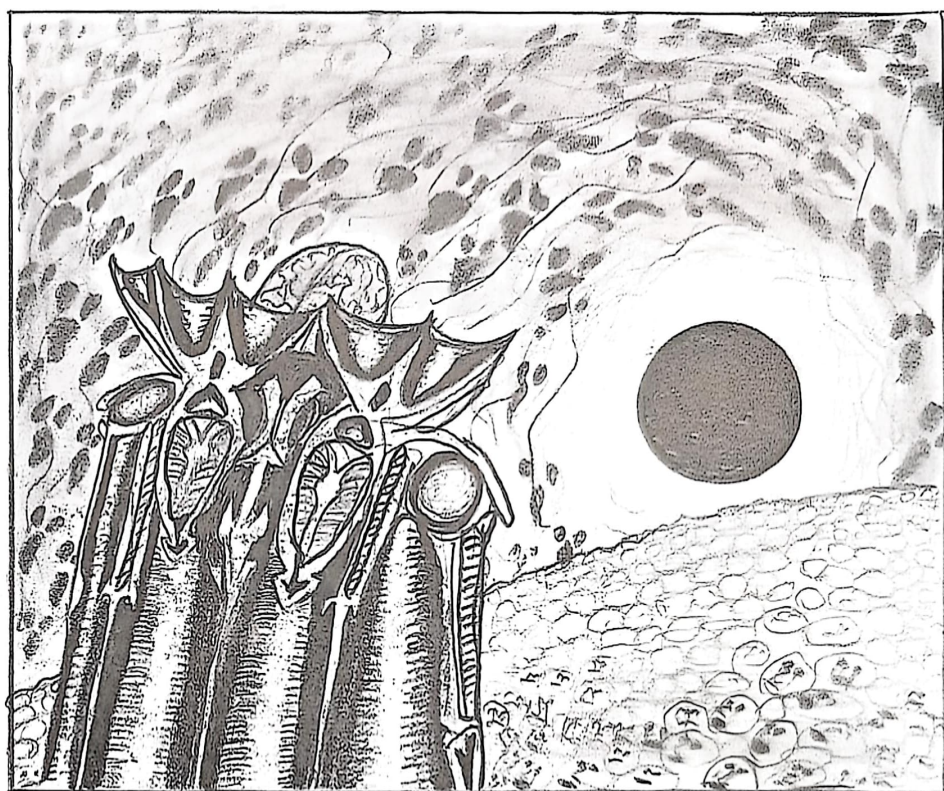


هیچ نشانه
حیاتی از تناسخ
مجدد "خیمه"
احساس نمیکنم

این عجب
از ذات علیت
بسیرحی نمیکند
از طرفی...



در ایزه باز شد
یعنی امکان
داره که...



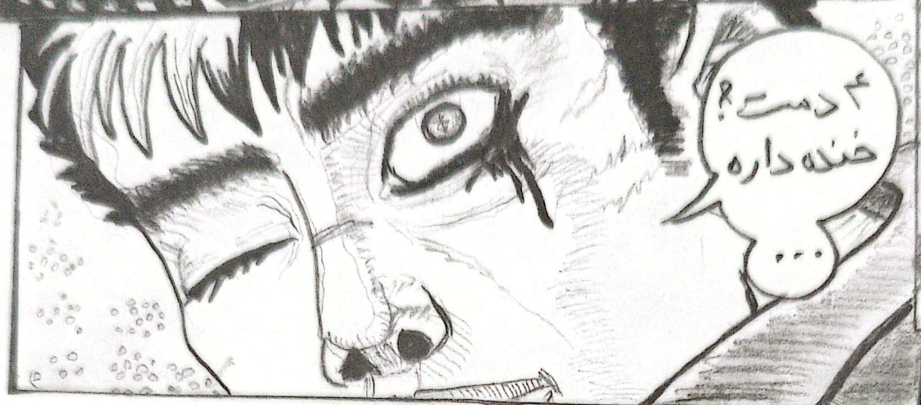
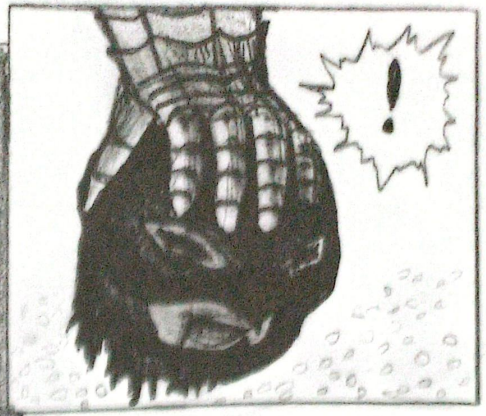
هیچ موبدوری
خانا ندیده...



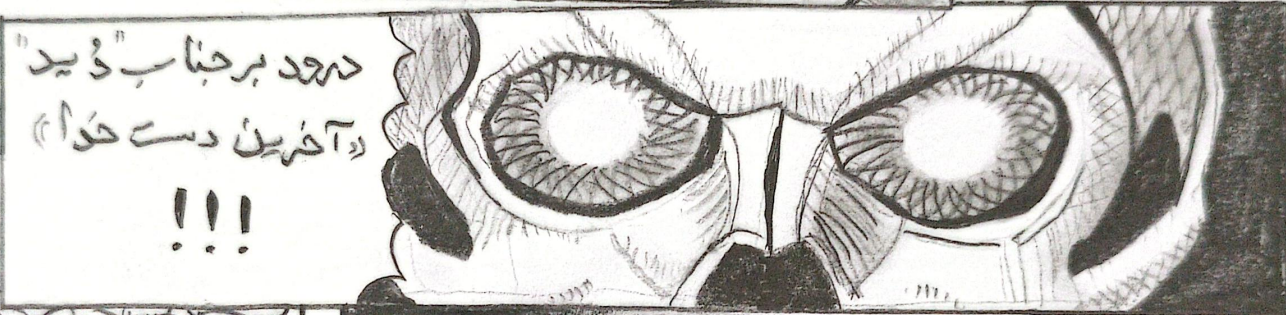
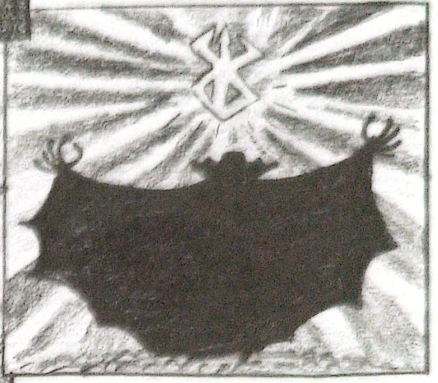


اما قانون تلفات
همچنان باقیست
و تقویتی از پس
آرست بر خدای

که اینطور ...
پس توانسان
نا چیز موثق
منی ...



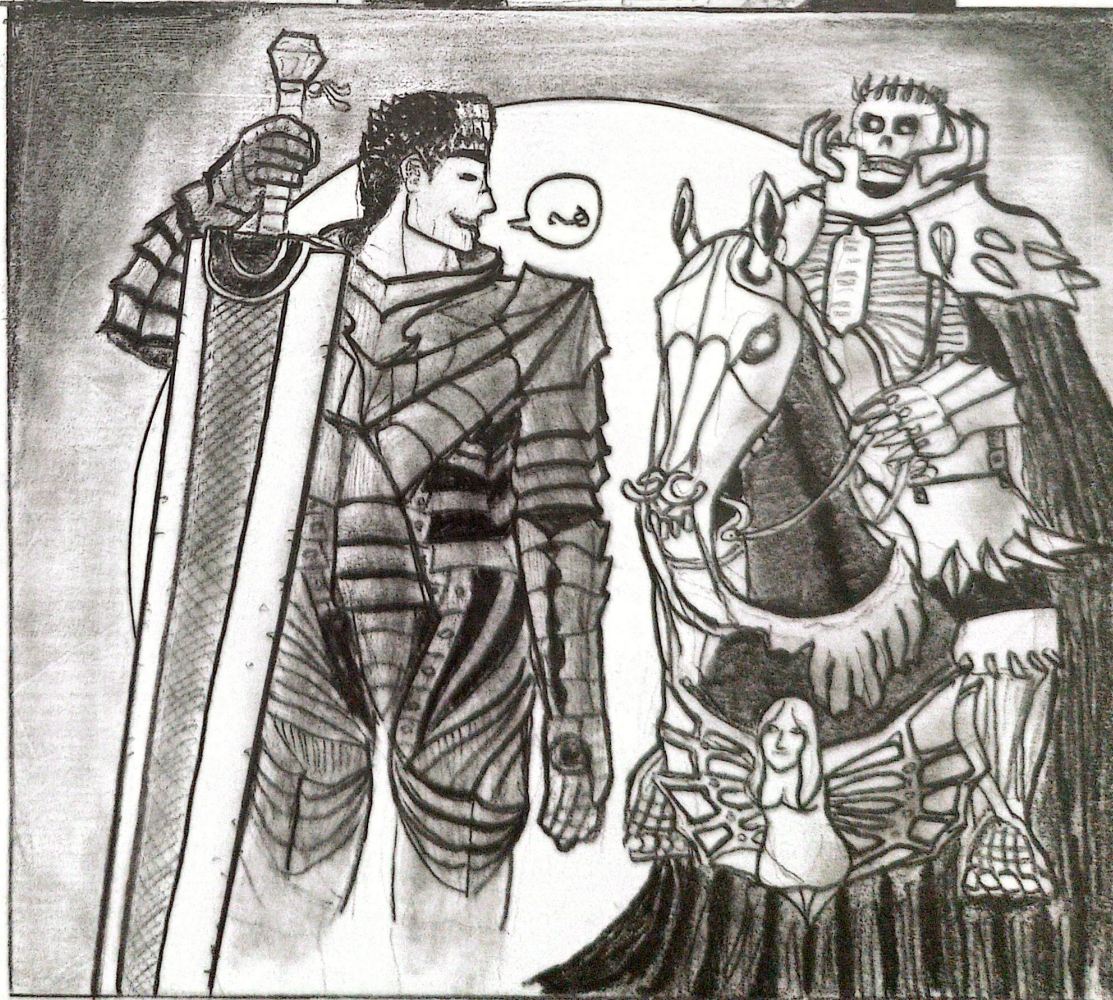
آرست؟
خنده داره
...



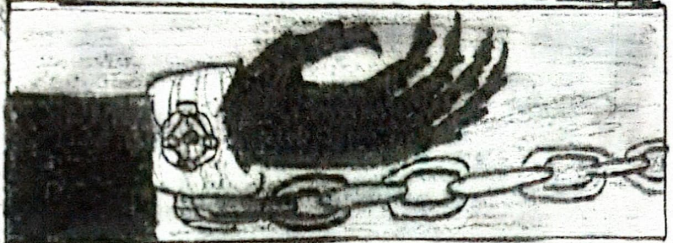
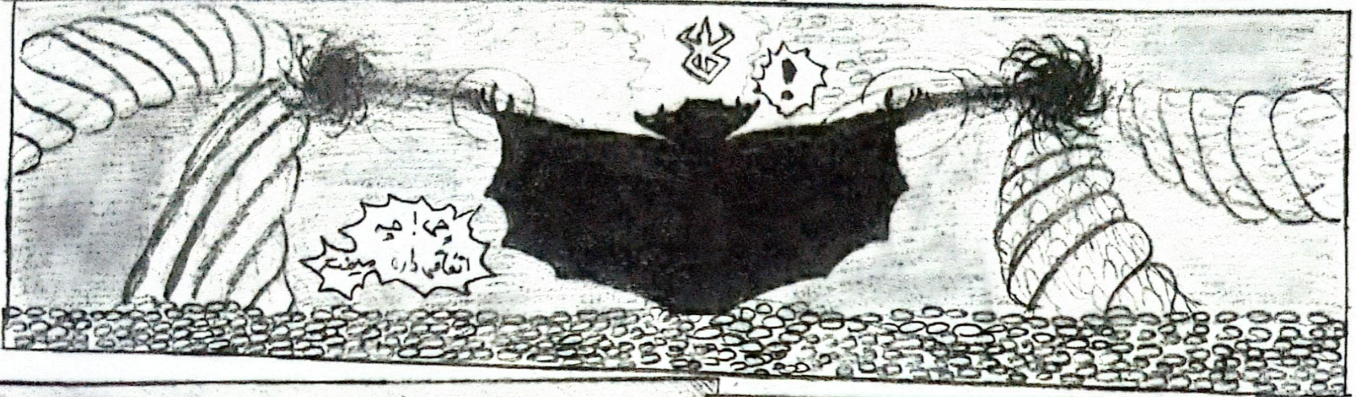
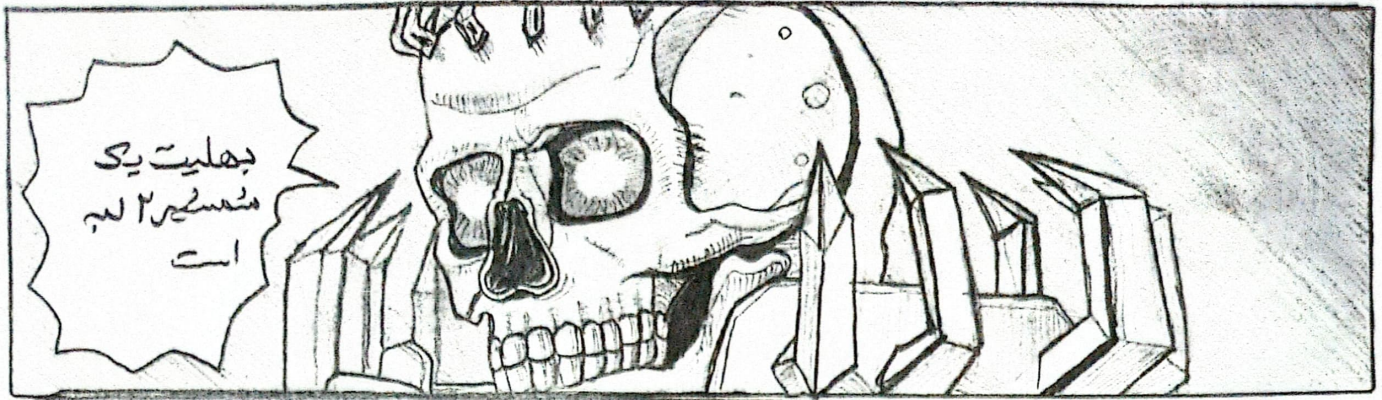
درود بر جناب "دید"
«آخرین دست خدا»
!!!

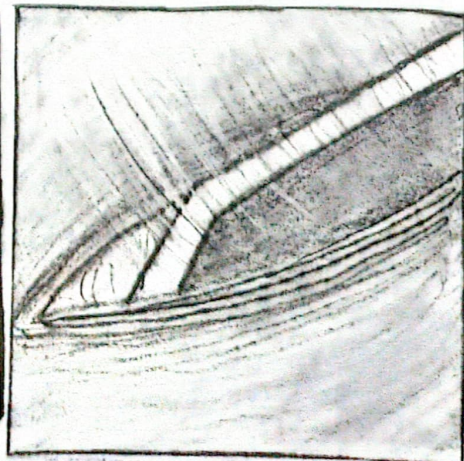
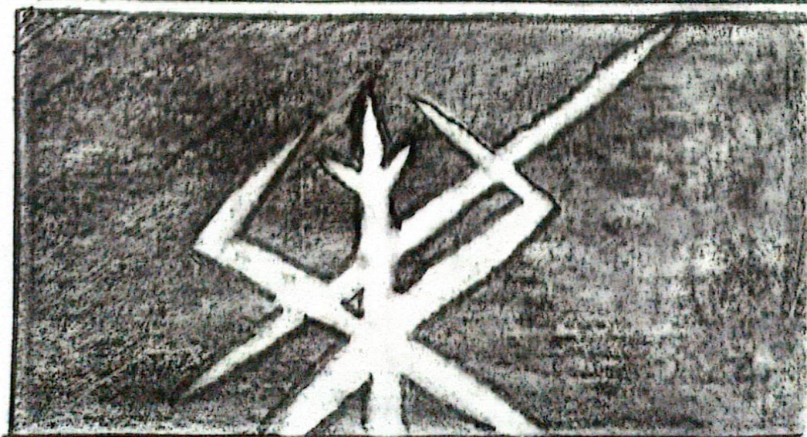
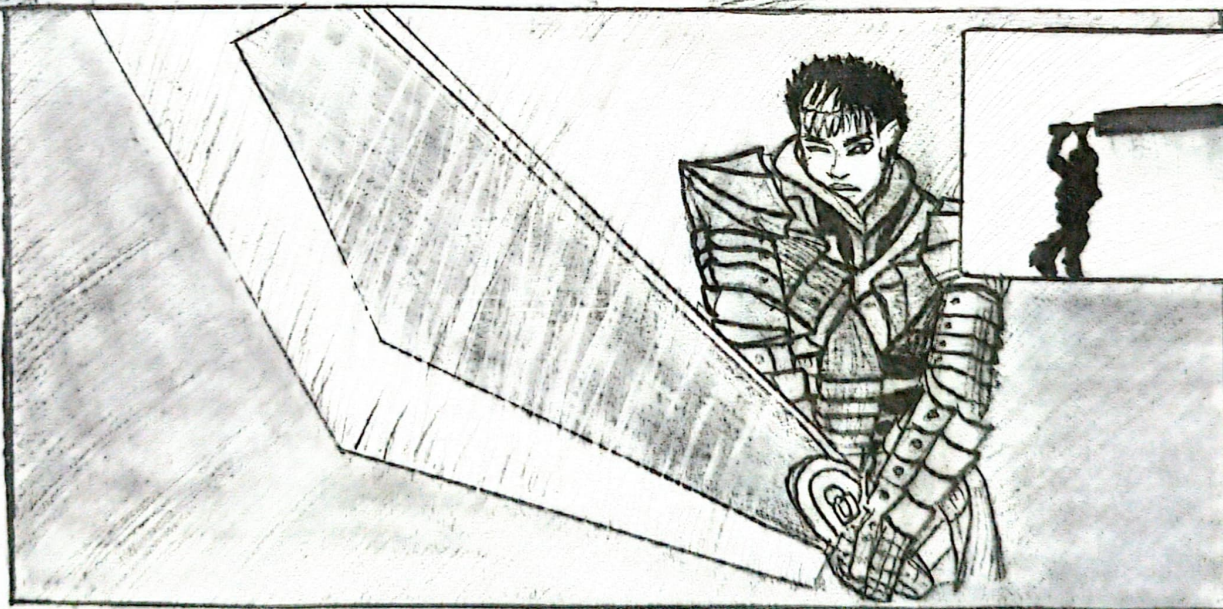
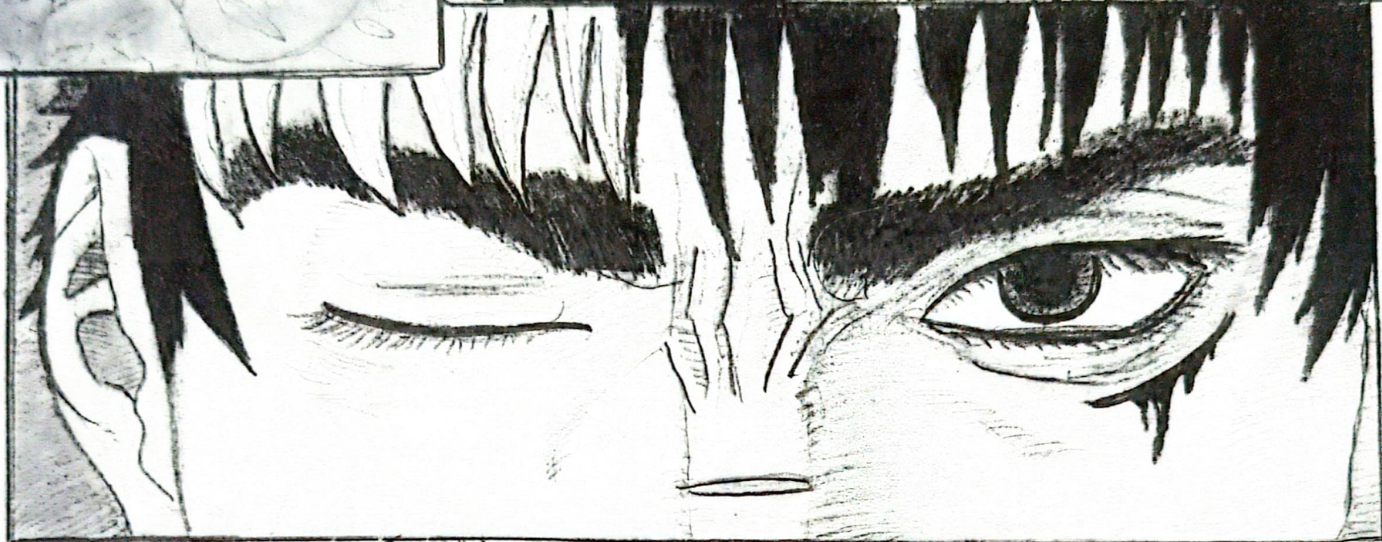
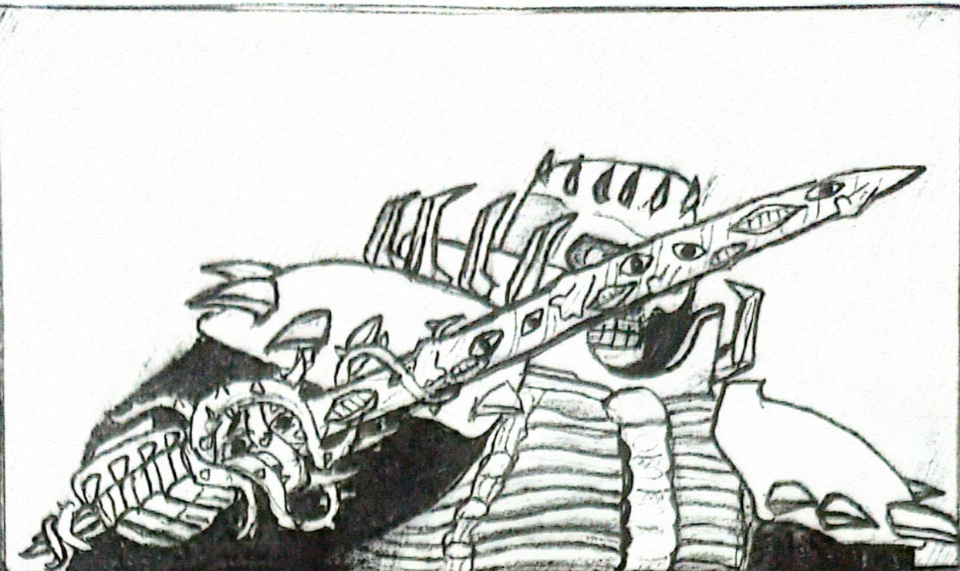
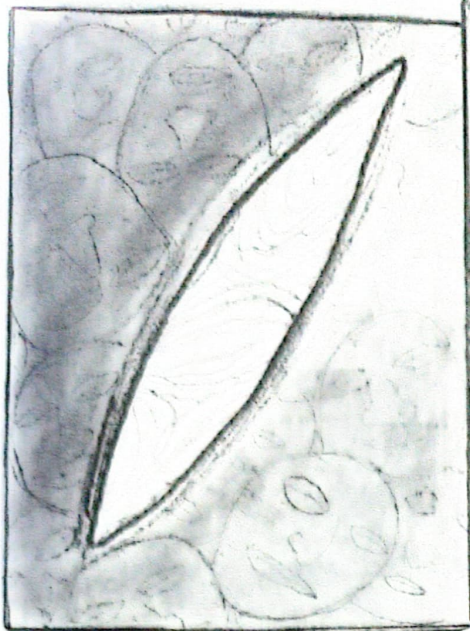


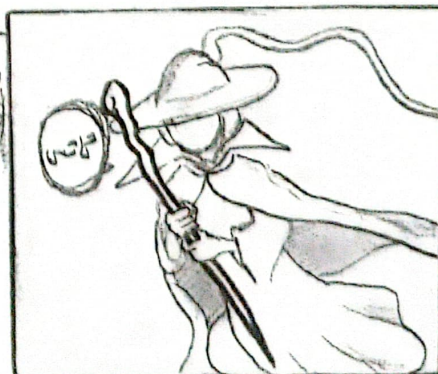
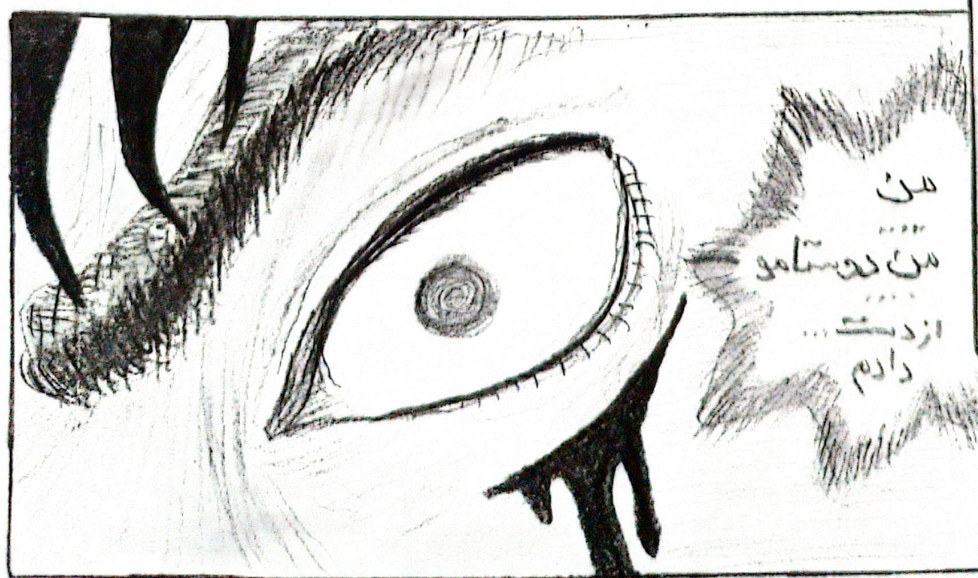
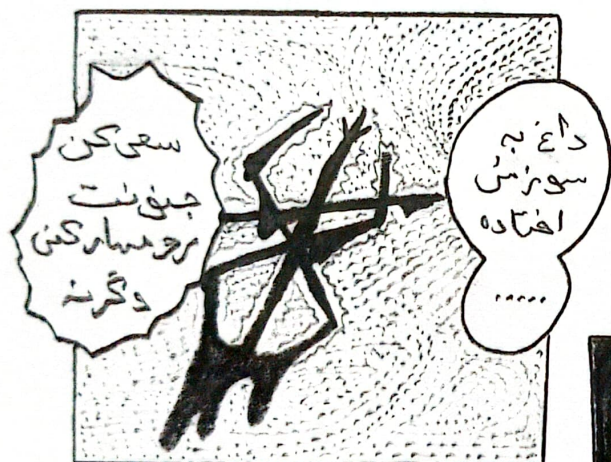
"گایزرگ" تان
زنده هستم قانون
علیت و تلفات
دستان خدا رو شکل
میده پس فکر نکن
میشه خلاف سرنوشت رفت

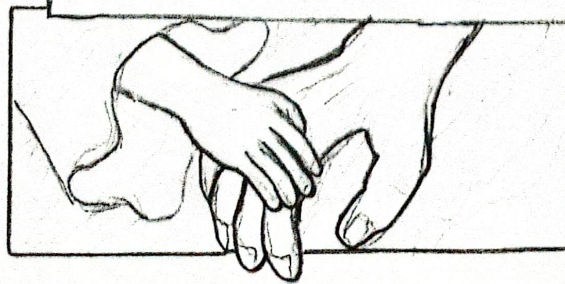
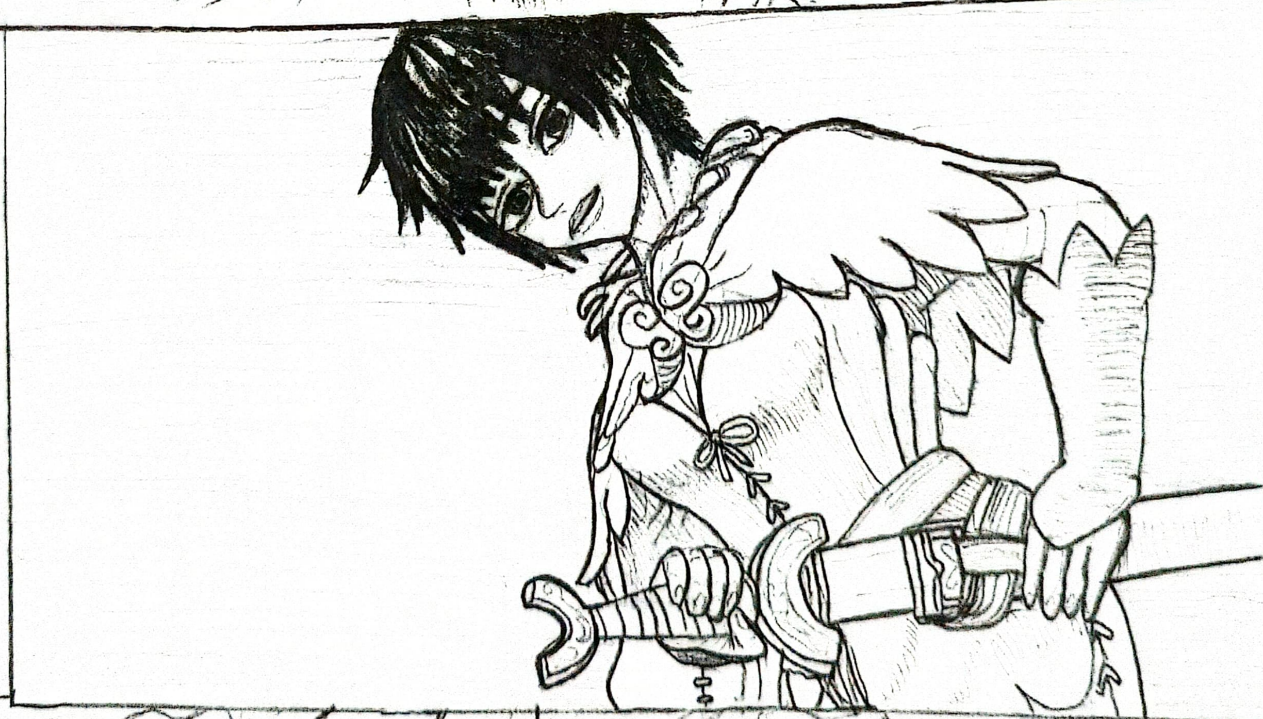


ه



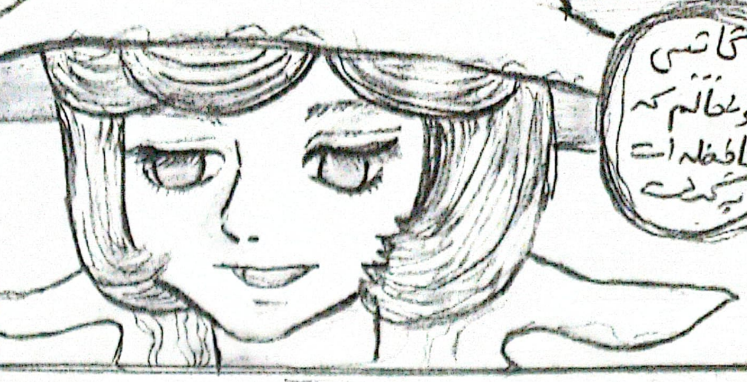






گاجی
هو عاظمه كه
پيگه

تو
هيا چيون
ندي
و با مرگ
ويد ها عاظمه ات
رو از دست دادي
درست بعد



سختن داغ
از حيا امدنيان ما
باديلاي سهاوي
قطع نداد و هواريون
تا بود نداد
!!!



مستوقش
نطقه شون
بدي
گاجي

درياي
خاطرات

ويد مردم
اما گاجي زير
چه اتفاقي بري
گاجي زير
افتاد؟



در اين سطح
از حيا سهاوي
خاطرات فراواني
نده اذهان
قابل شايستي
مستوق!



